

البسه نامانوس

● نصرالله صالحی

گردید و مظهر درجه لطافت و ذوق و تکامل سلیقه اقوام و ملل شد.

درعین حال می‌توان گفت پوشاک، به عنوان یک عنصر فرهنگی، بارزترین سمبول فرهنگی و مهم‌ترین و شاخص‌ترین و سریع‌الانتقال‌ترین نشانه فرهنگی است که به سرعت و به راحتی می‌تواند تحت تاثیر پدیده‌های فرهنگ پذیری در بین جوامع گوناگون انسانی قرار بگیرد. حتی عده‌ای را عقیده بر آن است که استیلای فرهنگی و سلطه‌پذیری در وهله اول از طریق انتقال پوشاک صورت می‌گیرد.

در کشور ما نیز استفاده از لباس و تولید آن از سابقه کهنی برخوردار است و این پیشینه معتبر تاریخی ما را بر آن می‌دارد که در جستجوی انگیزه‌های استفاده از لباس اهمیت بیشتری به موضوع تولید آن بدهیم و ضعف احتمالی در ارتباط با تولید لباس را مورد توجه قرار دهیم. زیرا تغییر شیوه تولید به مثابه تغییر الگوهای مورد نظر در زمینه پوشاک است که با توجه به تاثیرات مهم فرهنگی، این امر می‌تواند آثار سوء بسیاری در ارتباط با فرهنگ بومی کشور ما نیز داشته باشد.

البته قابل ذکر است که ارتباطات و برخوردهای اجتماعی اساس پوشاک بومی و محلی اقوام بزرگ و مختلف کشور ما را به هم نزده است. اما در شرایط حاضر، تحمیل ضرورت‌های فریبنده و غیر لازم

می‌تواند در این الگوها تغییراتی به وجود آورد تا لباس به عنوان یک سمبول ملی دیگر شناخته نشود. اوضاع جغرافیایی، شرایط معیشتی، باورها و سنت‌های کهن هر جامعه در شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه تأثیری شگرف دارد و این تأثیر تا حدی از رسوم فرهنگ بیگانه در قالب فرم‌های ویژه پوشاک جلوگیری می‌کند. اما ممکن است جامعه به مرزی برسد که بدیهیات موثر اولیه در شکل لباس را از خاطر بزدايد و هر آنچه در خارج به عنوان الگوی پوشاک معرفی می‌شود، بپذیرد. بنابر این ریشه‌های این تغییرات باید پی جویی و طرح شود، تا حفظ الگوی بومی لباس که مبتنی بر ضرورت‌ها و واقعیت‌های کشور است مقدر گردد. البته باید در نظر داشت که طرح‌نابسامانی‌های موجود در مورد پوشاک، در واقع به عبارتی تحلیل سیاسی، اجتماعی و مطالعه وضع فرهنگ جامعه نیز هست.

ادامه تمایل به الگوهای پوشاکی بیگانه، توجه



مطلب زیر، کوتاه شده‌ای است از کار پژوهشی آقای نصرالله صالحی که به دلیل محدودیت صفحه‌های مجله ناگزیر به چاپ گزیده‌ای از آن شدیم. با پژوهش از خوانندگان و نویسنده، آنچه در پژوهش حاضر مورد نظر قرار گرفته است الگوی مصرف‌البسه و شیوه‌های راهپایی لباس‌های نامتناسب با شئون فرهنگی جامعه ایرانی اسلامی است. در ابتدا این پرسش به ذهن خطور می‌کند که درباره استعمال و پوشیدن لباس و علائم بیگانه چه باید گفت؟ موضع ما در قبال لباس‌هایی که مشخصات والوان پرچم‌های خارجی را دارد و یا علائم و مظاهر ملی کشورهای دیگری بر روی آن منقوش است چه باید باشد.

در این راستا و در پاسخ به موارد بالا، انجام دو تحقیق مکمل ضروری است: «نخست کشف و گردآوری اطلاعات لازم و ضروری به طور عموم در خصوص البسه رایج در جامعه، یعنی توصیف وضعیت موجود لباس در جامعه» و اینکه بر اساس اطلاعات به دست آمده و اتکاف برداشتن اجتماعی می‌بایستی پژوهشی تئوریک صورت گیرد، تا شیوه‌های مطلوبی جهت اصلاح و ایجاد تغییرات کیفی توصیه گردد. البته عنوان پژوهش نیز به نوعی تداعی‌کننده جنبه دوم تحقیق است؛ اما بنایه ضرورت، ترجیح داده شده است تا جنبه نخست بررسی شود تا زمینه تحقیقات وسیع‌تر در آینده فراهم شود.

به نظر می‌آید اشاعه لباس‌های مغایر با شئون ملی و مذهبی در جامعه ما، بی‌تردید نمودارترین نمایان‌ترین جنبه تهاجم فرهنگ بیگانه است که می‌بایست با حساسیتی معقول و منطقی به آن پرداخته شود. در این جهت، طرح پژوهشی حاضر در خصوص لباس و مد ارائه گردید تا پیش از پرداختن به بحث تئوریک، ابتدا اطلاعات لازم در خصوص لباس‌های رایج در جامعه کشف و گردآوری گردد؛ یعنی یک توصیف واقع‌بینانه از وضعیت موجود لباس در جامعه به عمل آید تا از این طریق شیوه‌های راهپایی لباس‌ها و مدهای نامطلوب در جامعه به خوبی تبیین شود.

مفهوم و کارکرد پوشاک

لباس چیست؟ چه نوعی دارد؟ شناسایی لباس و ماهیت آن به چه میزان در امر پوشاک موثر است؟ چرا

انسان لباس بپوشد؟
«علاقه به لباس عجیب نیست، زیرا جسم تنها چیزی است که با آن زندگی را شروع می‌کنیم و می‌توانیم مطمئن باشیم که تا هنگام مرگ به ما تعلق دارد!» دریافت می‌شود که یکی از دلایل اصلی اهمیت لباس آن است که عمری هم‌زاد عمر بشر دارد. لباس به مثابه همراه همیشگی انسان، دارای اهمیت فراوانی است. می‌توان گفت فکر ایجاد لباس ناشی از احتیاج انسان به دفاع در برابر عوارض طبیعی است. اما مانند هر گونه وسیله دیگر زندگی وقتی پا را از دایره رفع احتیاجات ابتدایی بیرون نهاد، حالت تفتنی به خود می‌گیرد و بالطبع این تفتن به مرور به ضرورتی تبدیل می‌شود. انسان بنابر مقتضیات اقلیمی و عادات و رسوم و درجه فرهنگ و تمدن خود به ایجاد لباس‌های گوناگون پرداخته و در دوخت، شکل و تزیین آن ابتکارات گوناگون به کاربرد و لباس جلوه‌گاه ذوق و هنر بشری

جدی را می‌طلبد. این تحقیق قصد آن دارد که موضوع به درستی طرح شود و جوانب مختلف آن مورد تحلیل قرار گیرد. مطبوعات نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین منابعی که به طرح مسئله توجه داشته و راه حل‌هایی احتمالی را طرح نموده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

انگیزه‌های استفاده از لباس

عمده‌ترین نظریات ارائه شده در این زمینه آن است که بشر از طریق فطری و طبیعی به ضرورت استفاده از لباس اعتقاد داشته، منتهی در این ارتباط از دو دیدگاه می‌توان وارد شد: دیدگاهی که پوشاک را به مثابه یک وسیله آرایشی می‌داند و دیگری، انتخاب پوشاک را به عنوان ضرورتی طبیعی در مقابله با طبیعت بیرون دانسته است.

براساس دیدگاه اول خود آرایشی به جز اینکه ریشه در طبیعت و نهاد بشر دارد، از ضرورت‌های اجتماعی نیز نشأت می‌گیرد و زندگی اجتماعی محتاج پیوند میان انسان‌هاست. از این رو لباس و پوشاک می‌تواند در این پیوند مؤثر واقع شود، چرا که باید در زندگی اجتماعی خود و در ارتباط با انسان‌های دیگر از عواملی که او را منفور دیگران می‌سازد دوری گزیند، و به اصلاح وضع خود بپردازد و خویش را با چیزهایی که مطبوع دیگران و مقبول جامعه است زینت دهد و به این وسیله با تحریک حسن زیبایی در دیگران و ایجاد ارضای روحی آنها زمینه پیدایش الفت و انس را فراهم سازد.

در هر حال منشاء لباس هر چه باشد، نکته آن است که استفاده از لباس یک ضرورت است. منتهی در هر موقعیتی یکی از این ضرورت‌ها (زیباشناسی یا حفاظت در مقابل طبیعت) اهمیت بیشتری پیدا می‌نماید. بنابراین وضعیت پوشاک و لباس نیز بر همین مینا دچار تغییراتی خواهد شد.

علاوه بر ضرورت‌های بنیادینی که توجه انسان را به پوشاک و لباس معطوف کرد، این نکته نیز مورد توجه قرار گرفت که انسان در مسیر تهیه و استفاده از پوشاک، جدای از انگیزه‌های اولیه به ضرورت‌های مختلفی نیز که محیط بر او تحمیل می‌کند تن داده است. از جمله این ضرورت‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ویژگی‌های اقلیمی و تناسب پوشش با شرایط اقلیمی محیط و تاثیر عنصر اکولوژیک، پیشرفت ابزار تولید پوشاک، تنوع نیازها که در واقع به چگونگی بهره‌گیری بشر از ابداعات و ابتکارات وی در زمینه تولید پوشاک می‌پردازد، ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و پوشاک از جمله ضرورت‌های ارزشی و نوع ارزش حاکم در جامعه که رفتار افراد جامعه مطابق با آن شکل می‌گیرد، فرم و رنگ در پوشاک و تاثیر و مقبولیت آنها میان مردم، پوشاک و تغییرات اجتماعی به این لحاظ که پوشاک به عنوان یک پدیده همواره موجودیت داشته و پیوسته در تغییر بوده و در همه جا نماینده موقعیت اجتماعی بوده است و تغییرات اجتماعی گاه موجب تغییر در نحوه لباس شده است، پوشاک و دیدگاه‌های جدید پوشندگان و این نکته که برخی انسان‌ها نوع لباس را به دلیل تاثیر روانی خاص خود انتخاب می‌کنند که

انگیزه‌ای است دیرپا و در زندگی بشر سابقه دیرینی دارد.

نویسنده در بخش دیگری به مفهوم مد پرداخته است. وی عواملی را به عنوان عناصر تحمیلی و خارجی یاد کرده و متذکر می‌شود که انسان در آن کمتر دخالت دارد. و می‌افزاید که تا این مرحله عوامل مؤثر بر پوشاک، در حقیقت با انتخاب انسان بود که تاثیر می‌گذاشت، اما عواملی چون تقلید، مد، دوران سنی - جوانی و پیری عواملی تحمیلی هستند.

در مورد تقلید متذکر می‌شود که تقلید از طریقه‌های گوناگون جای خود را در وجود بشر - حداقل در زمینه مورد نظر یعنی پوشاک - باز می‌کند. این تحمیل از بیرون گرچه اجباری است اما می‌تواند آگاهانه و یا نا آگاهانه باشد. گاهی اوقات تقلید در نوع پوشاک مبتنی بر نوعی تبادل فرهنگی مثبت با کشورهای دیگر است. و در باب مفهوم مد و برای روشن شدن رویه‌ای که در تحمیل شکل لباس به نام «مد» رواج یافته است ابتدا به تعریف مد می‌پردازد و سپس اضافه می‌کند که: «مد ظاهراً با تحمیل نوع پوشش و آرایش اقدام می‌کند، اما در نهایت موجبات نابرابری فرهنگ‌های بومی را فراهم می‌آورد. به این دلیل نقش مد در نوع پوشش و لباس محدود نمی‌ماند.

وی سپس به این نکته نیز می‌پردازد که مد لباس از چه روزنه‌ای برای حضور خود در یک جامعه سود می‌جوید و یا چه عواملی موجب حضور مد بخصوص مدهای بیگانه می‌گردند.

نویسنده در ادامه به توصیف جداول ارائه شده که با استفاده از روش تحقیقات میدانی و تکمیل پرسشنامه با مراجعه به مراکز تولیدی لباس، مراکز عمده توزیع و فروش و واردکنندگان البسه و پوشاک، انجام پذیرفته است می‌پردازد. از جمله: بررسی و تحلیل مکان‌هایی که مصاحبه صورت گرفته، تولیدکنندگان لباس و پوشاک، تجار و واردکنندگان لباس در پایان نیز به ارائه پیشنهاداتی از جمله استفاده از شیوه‌های ممانعت از ترویج البسه نامتناسب جلوگیری از ورود این لباس‌ها، ارائه یک نمونه و مدل فرهنگی توسط طراحان پرداخته و به این نتایج می‌رسد که با تقسیمات کار در اجتماع متمدن شدن، نیاز به انواع پوشاک، تقسیماتی هم در طرح لباس می‌شود قائل شد.

- ۱- طراحی البسه مشاغل
- ۲- طراحی لباس کودکان و نوجوانان
- ۳- طراحی لباس زنان
- ۴- طراحی لباس مردان
- ۵- طراحی البسه زیر، لباس خواب
- ۶- طراحی لباس ورزشی
- ۷- طراحی البسه نمایش‌های تئاتری و فیلم‌های

سینمایی...

با اشاره به اینکه در این مقوله از دو مورد استفاده شده است. شناسایی طبع و نیاز افراد مختلف جامعه شرایط متفاوت اجتماعی در طراحی لباس و دیگری نفوذ به روزنه‌هایی که از آن طریق مردم الگو می‌گیرند. در پایان نیز منابع مورد استفاده اعم از کتاب و مقاله ارائه شده است.

